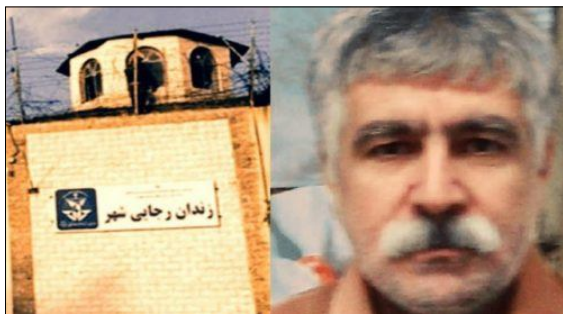


## ۹۹ روز جدال مرگ و زندگی بمناسبت پایان اعتصاب غذای محمد نظری



### نسان نودینیان

۹۹ روز اعتصاب غذای محمد نظری خوشختانه پایان رسید. ما محمد نظری را سالم در کنار خود داریم. او برای پایان دادن به شرایط تحمیلی زندان دست به اعتصاب غذا زد. محمد نظری یکی از طولانی ترین اعتصاب کننده غذا در سطح جهانی شد. او ۹۹ روز در اعتصاب غذا بود. کارنامه سیاسی و مبارزاتی محمد نظری کیفرخواستی جهانی علیه بربریت حکومت اسلامی، علیه رفتار شکنجه و اذیت و آزار جسمی و روحی حکومت فاشیست اسلامی علیه هزاران زندانی و زندانی سیاسی در ایران است!

مردم دنیا با نام بابی ساندرز(از شهر بلفاست مرکز ایرلند شمالی) با

آذربایجان غربی زندانی است. محمد نظری در سال ۱۳۷۳ در شهر بوکان بازداشت شد و از همان سال در زندان به سر می برد. او در نهم خرداد ماه سال ۱۳۷۳ به اتهام هواداری از حزب دمکرات کردستان ایران از جانب نیروهای سپاه شهرستان بوکان دستگیر شد. در آن تاریخ ۲۳ ساله بود. در ابتدا در دادگاهی در ارومیه به ریاست صفحه ۲

اعتصاب غذای ۶۶ روزه او آشنا هستند! بابی ساندرز در ۶۶ مین روز اعتصاب غذا جانش را از دست داد. نام او در تاریخ اعتراضات مردم ایرلند شمالی در تاریخ زندانی سیاسی با ۶۶ روز اعتصاب غذا نزد جهانیان ثبت و پر آوازه شد.

محمد نظری متولد ۱۳۵۰ در شهرستان شاهین دژ در استان

### در نقد هویت تراشی ناسیونالیستی

#### حمید تقوایی

زندگی میلیونها انسان را بخاطر تجدید تقسیم جهان بین دولتهای سرمایه داری به خاک و خون کشیدند. برای شهروندان هویت ملی- میهنی میتراشد که هویت انسانی آنها را تحت الشعاع قرار بدهند و آنها را برای دفاع از منافع طبقه حاکم با توجیه دفاع از آب و خاک و تمامیت ارضی و غیره به جنگ "بیگانگان" بفرستند. برتری طلبی ملی، "هنر نزد ایرانیان است و بس"، و تقدس آب و خاک و پرچم و تمامیت ارضی و افتخارات ملی و میهنی نه تنها به هویت اجتماعی و علاقه انسانها به جامعه ای که در آن زاده و بزرگ شده اند ربطی ندارد بلکه در نقطه مقابل آن عمل میکند. هویت ملی در نقطه مقابل هویت اجتماعی انسانها علم شده است و عملاً نافی آن است.

پاسخ روشن است. ما ناسیونالیسم و عرق و تعصب ملی را نقد میکنیم و نه علاقه انسانها به محل تولد و زندگی خود را. حساب انس و الفت انسانها به محل زندگی و رشدشان، خانه و مدرسه و شهر و محله و کوچه و خیابان، از آب و خاک پرستی و تقدس تمامیت ارضی و "چو ایران نباشد تن من مباد" کاملاً جداست. اولی یک احساس طبیعی و انسانی افراد به جامعه ای است که در آن بزرگ شده و انس و الفت گرفته اند و دومی تعصب ناسیونالیستی و برتری طلبی ملی است که تماماً در خدمت حکومتها و طبقات حاکمه قرار دارد و توجیه گر بسیاری از جنگها و خونریزیه و وحشیگریها در طی تاریخ بوده است. منشا ناسیونالیسم هویت اجتماعی و علاقه طبیعی انسانها به جامعه ای که در آن زندگی میکنند نیست بلکه هویت تراشی ملی- وطنی است که همه دولتهای سرمایه داری در آن میدمند. طبقه سرمایه دار برای حفظ و پاسداری نفوذ و سلطه خود بر بازار کار و کالای کشوری اش و در رقابت با سرمایه داران کشورهای دیگر، به این هویت تراشی ناسیونالیستی نیاز دارد. دو جنگ جهانی اساساً با دمیدن در بوق ناسیونالیسم برپا شدند و

علم کردن کورش بعنوان پدر حقوق بشر جزئی از این هویت تراشی کاذب ناسیونالیستی است. کورش یک امپراتور کشورگشا بوده است و نه یک فعال حقوق بشر و بزرگداشت و افتخار به او، افتخار به بشریت نیست بلکه به امپراتوری ایران باستان است. همانطور که بزرگداشت چنگیز از جانب ناسیونالیستهای مغولستان بخاطر یاسای چنگیزی - که ناسیونالیسم مغول آنرا اولین نسخه قوانین انسانی و منصفانه میدانند- نیست بلکه امپراتوری است که او پایه گذار و مظهر و نمادش بود. پاسداری از علائق و هویت اجتماعی انسانها نه از قهرمان ملی و باستانی تراشی از شاهان و امپراتورها، بلکه از نقد و نفی شاه و امپراتور و آب و خاک پرستی میگردد.

\*\*\*

### جمهوری اسلامی مسئول قتل کارگران پالایشگاه و دکل نفتی است

#### کارگران تراورس در مقابل مجلسی تجمع کردند

صفحه ۲

حزب کمونیست کارگری ایران

#### یادداشتهای هفته:

مردم کردستان عراق شایسته بهترینها هستند  
به بهانه اظهارات علی جوانمردی

این "منطق" از کجا مایه میگیرد؟

صفحه ۳

عبدال گلپریان

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۴

نسان نودینیان

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۶

عزیزه لطف الهی

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## جمهوری اسلامی مسئول قتل کارگران پالایشگاه و دکل نفتی است

روز ۵ آبان ماه در يك آتش سوزی و انفجار در پالایشگاه نفت تهران ۷ نفر از کارگران متخصص و مهندسان این کارخانه به اسامی سجاد دارابی، پوریا دارابی، محسن دارابی، افشار میرزایی، کاظم امیری، نعمت کوخایی و جواد نوروزی جان خود را از دست دادند و تعدادی از کارگران نیز مجروح شدند. روز هفتم آبان ماه نیز انفجار در دکل حفاری نفتی رگ سفید در نزدیکی بندر دیلم در استان بوشهر نیز به کشته و زخمی شدن حداقل ۵ نفر از کارگران منجر شده است. شرکت نفت و خبرگزاری های جمهوری اسلامی اسامی قربانیان این حادثه را منتشر نکرده اند.

حزب کمونیست کارگری صمیمانه به خانواده های جانباختگان آتش سوزی در پالایشگاه تهران و دفتی رگ سفید و به همکاران آنها تسلیت میگوید و برای مجروحان این حوادث آرزوی بهبودی میکند.

در سال گذشته چندین مورد آتش سوزی دیگر نیز در مراکز نفتی ایران و صدها مورد در سایر مراکز کارگری صورت گرفته است. بسیاری از آمار حوادث محیط کار گزارش نمی شود و بعلاوه سالانه چندین برابر بیشتر از این، کارگران در اثر عدم بهداشت محیط کار آسیب های جدی می بینند. و این

وضعیت هر روز و هر سال وخیم تر میشود. مدیرکل پزشکی قانونی استان تهران اخیرا گفته است که مرگ ناشی از حوادث محیط کار در شش ماه اول امسال ۲۱۵ نفر میباشد که نسبت به سال قبل ۳۰ درصد افزایش یافته است.

این تلفات انسانی جنایات مستقیم حکومت اسلامی و کارفرمایان مفتخور در حق کارگران است. يك سرمایه داری هار و حریص و مفتخور بر جامعه حاکم شده و میدزدد و چپاول میکند و زندگی کارگران و کارکنان را در معرض همه گونه خطراتی قرار میدهد. حکومت اسلامی نیز با سپاه پاسدار و بنیادها و نهادهای چپاولگر متعددهش در راس همین قماش سرمایه داران مفتخور است و ارگانهای سرکوش همه جا حافظ منافع همین سرمایه داران است و حقوق پایه ای کارگران را تا میتواند پامال میکند. این شرایط است که باعث میشود محیط های کار به قتلگاه کارگران و کارکنان شریف تبدیل شوند.

کارفرمایان، که بخش قابل توجهی از آنها نیز ارگانهای مختلف حکومت میباشند، برای تامین سود بیشتر کمترین هزینه را صرف ایمنی محیط کار و آموزش ایمنی کارگران میکنند و در صورت قتل کارگران و یا مجروح شدن آنها نیز یا غرامتی پرداخت

نمیکند و یا با پرداخت کمترین وجهی گریبان خود را راحت میکنند و قانون کار و ارگانهای حکومت کارفرماها را مورد پشتیبانی قرار میدهند. اما نقش جمهوری اسلامی بسیار جدی تر از اینها است. کارفرما کارگر معترض را به راحتی اخراج میکند و قوانین و ارگانهای جمهوری اسلامی کارفرما را مورد حمایت قرار میدهند. جمهوری اسلامی عملا و قانونا متشکل شدن کارگران را ممنوع کرده است در حالی که کارگران متشکل قادرند کارفرماها را وادار به افزایش ایمنی و بهداشت محیط کار نمایند. کارفرماها و مقامات حکومت در تبلیغاتشان، عدم رعایت ایمنی توسط کارگران را عامل اصلی حوادث محیط کار معرفی میکنند اما حتی اگر اینطور باشد نیز جمهوری اسلامی مسئول آن است چرا که آموزش ایمنی کارگران در این نظام جایگاهی ندارد.

واقعیت این است که این نظام چنان عقب مانده و ضد کارگری است و چنان در فساد غرق است که برای پایان دادن به کشتار کارگران در محیط کار نیز باید آترا سرنگون کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۱ آبان ۱۳۹۷  
۲ نوامبر ۲۰۱۷

## کارگران تراورس در مقابل مجلس تجمع کردند

آینده به تجمع خود موقتا پایان دادند. مبارزه کارگران تراورس میتواند شروع يك مبارزه سراسری و مهم باشد. باید تلاش کرد هزاران کارگر تراورس در نقاط مختلف کشور همزمان و متحد به میدان بیایند. تجربه کارگران در نقاط مختلف کشور نشان داده است که وعده های مسئولین عملی نمیشود و حتی اگر بخشی از حقوق معوقه کارگران پرداخت شود، کارگران ماه بعد با همین مشکل مواجه خواهند بود.

تبدیل قراردادهای کوتاه مدت به قرارداد دائم نیز به نیروی بیشتری نیاز دارد. کارگران تراورس در سراسر کشور باید خود را برای يك مبارزه قدرتمندتر آماده کنند. باید مبارزه را سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۱ آبان ۱۳۹۷  
۲ نوامبر ۲۰۱۷

## ۹۹ روز جدال مرگ و زندگی..

از صفحه ۱



نسان نودینیان

قاضی شعبه يك جلیل زاده به اعدام محکوم شد اما در سال ۱۳۷۸ حکم اعدامش با يك درجه تخفیف به حبس ابد تقلیل یافت. وی در تمام مدت زندان از حق مرضی محروم بوده است. محمد نظری بارها از طریق نامه نگاری با نهادهای قضایی درخواست اعاده دادرسی کرده است. او آذر ماه سال ۹۲ نیز از قوه قضاییه، درخواست دادرسی مجدد کرده بود.

محمد نظری در نامه ای از زندان خطاب به عاصمه جهانگیر گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل نوشت: "خانم جهانگیر، من محمد نظری هستم محکوم به حبس ابد، که مدت ۲۳ سال بدون استفاده از يك روز مرضی در زندان بسر می برم. بدون اینکه اجازه وکیل گرفتن به من بدهند، تا پیگیر پرونده ام باشم، هرچند بنا به دلایلی هیچ وکیل و کالت مرا قبول نمی کند. در این مدت بارها و بارها درخواست اعاده دادرسی کرده ام، اما به هیچ کدام از آنها جوابی داده نشده و در مورد قوه قضاییه و وزارت اطلاعات هر کدام دیگری را مسئول پرونده ام می دانند."

محمد نظری اولین بار در سال ۹۱ در اعتراض به عدم پاسخگویی مسئولان اعتصاب غذا کرد و درخواست اعاده دادرسی را شرط پایان اعتصاب غذای خود قرار داد. و بار دوم در سال ۹۶ در اعتراض به عدم اجرای اعمال ماده ۱۰ آیین دادرسی در خصوص پرونده اش اقدام به اعتصاب غذا کرده است و بار سوم ۹۹ روز در اعتصاب غذا بوده است.

دفاع از محمد نظری یکی از کمپین های کمیته مبارزه برای

آزادی زندانیان سیاسی و کمیته بین المللی علیه اعدام بوده است. از کمپین کردستان حزب کمونیست کارگری از ایسکرا تی وی از این کمپین دفاع از محمد نظری دفاع و اخبار اعتصاب غذای او را تحت پوشش قرار داده است. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران همچنین از کانال ایسکرا تی وی مردم کردستان را به حمایت از محمد نظری فراخواند است!

محمد نظری باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شود. او باید از حقوق و مزایای کافی برای ادامه حیات و تامین معیشت، از امکانات پزشکی و دارویی و حق تفریح با امکانات نهادهای اجتماعی، برخوردار باشد.

محمد نظری مورد حمایت مردم در ایران و کردستان قرار گرفت.

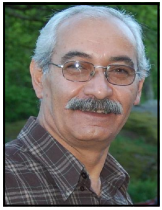
مبارزه و اعتصاب غذای او توسط سازمانهای سیاسی و کمپین های بین لمللی دفاع از زندانیان سیاسی تحت پوشش بین المللی قرار گرفت.

ما از پایان اعتصاب غذای محمد نظری خوشحالیم. و خوشحالیم که او را بعد از ۹۹ روز جدال مرگ و زندگی در سنگر مبارزه با حکومت اسلامی زنده در کنار خود داریم.

۱۵ آبان ۱۳۹۶  
۶ نوامبر ۲۰۱۷

حساب انس و الفت انسانها به محل زندگی و رشدشان، خانه و مدرسه و شهر و محله و کوچه و خیابان، از آب و خاک پرستی و تقدس تمامیت ارضی و چو ایران نباشد تن من مباد، کاملاً جداست.

## داداشتهای هفته:

مردم کردستان عراق شایسته بهترینها هستند  
به بهانه اظهارات علی جوانمردی

عبدل کلپریان

این "منطق"  
از کجا مایه میگیرد؟

شرکت در اجلاس جمعی که خود را سکولار دمکرات میدانند ممنوع و اخ است اما شرکت و همپیمانی با جریانات قومی و جریانی که تا مغز استخوان اسلامی و ارتجاعی است روا و مشروع است؟! این "منطق" از کجا مایه میگیرد؟

این تعرض را جریانات ضد کمونیست به حزب کمونیست کارگری نمیکند بلکه جریان و کسانی چنین برخوردهای بغایت عقب مانده ای از خود بروز می دهند که ناسلامتی خود را چپ و کمونیست میدانند.

"منطق" فوق معتقد است که حضور فیزیکی دو نفر یا حضور دو جریان مخالف سیاسی در یک مجمع بنام کنگره و یا تجمع اعتراضی آنان در کنار هم ( کمونیستی کارگری و سکولار دمکرات ) بد است اما قرار گرفتن یک جریان بنام چپ و کمونیست در یک ائتلاف و امضای یک پیمان نامه مشترک با سازمانی معلوم الحال و اسلامی که در آینده تحولات ایران و کردستان میتواند در ظرفیت داعش و حشد الشعبی ظاهر شود کاری پسندیده و لابد "مارکسیستی" هم هست!؟

در مورد اول یعنی شرکت و یا دعوت از حزب کمونیست کارگری برای هر سمینار، پانل و یا کنگره ای از جانب نیروهای سیاسی مخالف جمهوری اسلامی یعنی حضور پیدا کردن در آن اجلاس برای بیان مواضع خود و حتی نقد مواضع جریان میزبان در قبال افق و دیدگاههای آنان در رابطه با اوضاع و تحولات سیاسی اجتماعی در ایران. این را بارها گفته ایم. اینجا قرارداد و سندی به امضا نرسیده و قرار هم بر این نیست. در اینجا و در روز روشن مقابل چشم همگان متن سخنرانی و مواضع کمونیسم کارگری رو به جامعه انتشار یافته است تا همگان ببینند و ناظر باشند که چه موضوع یا مسایلی مورد بحث، اظهار نظر و نقد قرار میگیرد.

اما در مورد دوم که "منتقدین" ما آنرا مشروع و روا میدانند مسئله کاملاً برعکس است. آنان به اجلاس سازمان خبات دعوت نشده بودند تا مواضع اسلامی و ارتجاعی آنان بعنوان ننگی در دنیای امروز را نقد کنند و ای کاش چنین قابلیتیی از

دو نیروی مسلح کرد برای پر کردن این شکاف بکار گرفته شدند.

برخلاف گفته های علی جوانمردی و یا جریاناتی که دوست دارند کماکان حس "ناسیونالیستی" را، آنهم در شرایطی که امروز نه تنها آینه تمام قلی از بی ربطی به منافع مردم را در مقابل دید همگان قرار داده است بلکه کارنامه ای از تباهی زندگی چند میلیون انسان در آن جغرافیا و غارت، چپاول و دزدی و فساد از هستی آنان را زیر بغل دارد.

سؤال از علی جوانمردی گرامی این است که: آیا مردم کردستان در هر چهار بخش آن باید همچنان دنبالچه نیروهای امتحان پس داده در کردستان عراق و مناطق دیگر تحت عنوان، "تقویت شدن ملی گرایی در کردستان" باشند یا اینکه راه حل مسئله ملی و حل این مسئله در برسمیت شناختن اراده آزادانه مردم کردستان عراق برای جدایی و تحت حاکمیت نمایندگان واقعی خودشان می بیند؟

تا کی باید مردم کردستان عراق مورد ظلم و نابرابری توسط احزاب حاکم بر اقلیم و غارت هستی شان توسط آنان و از طرف دیگر مورد یورش دولتهای منطقه قرار گیرند؟ مردم کردستان عراق شایسته داشتن یک زندگی انسانی و بدور از دخالت کانگسترهای بارزانی، طالبانی و احزاب مرتجع اسلامی هستند. مردم کردستان عراق لایق برخورداری از یک زندگی مرفه، آزاد و برابر و بدور از دست درازی دولتهای ضد انسان در بغداد، تهران، ترکیه و دیگر دولتها هستند.

همانگونه که بعد از گذشت چهار دهه مردم ایران، اسلام و دین را استفرغ میکنند، مردم آزاده، رنج دیده و شرافتمند کردستان نیز ( حس نه ته و ایه تی ) "ناسیونالیستی" و قومگرایی را که در شمایل احزاب حاکم بر اقلیم معرف همگان است استفرغ میکنند. باد زدن این مهر ساختگی بر پیشانی انسان و انسانیت و در قرنی که زندگی میکنیم ابدا جایز نیست.

۳ نوامبر ۲۰۱۷

تومی که بخشی از جامعه به وعده های خمینی و حاکمان اسلامی و دین داری داشتند، با شرایط کنونی از بیخ و بنیاد متفاوت است. اگر سیاست سرکوب، زندان و اسلحه بر سر مردم ایران توسط جمهوری اسلامی حکم نمیکرد، سالها پیش حاکمیت اسلامی از صحنه سیاست جامعه جا رو شده بود. بنابراین جایگاه روند سیر تحولات تاریخی مقوله ای بنیادی در توضیح زمان و مکان تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است.

احزاب "ناسیونالیست"، قومی و اسلامی حاکم بر کردستان عراق نیز طی بیش از دو دهه اخیر امتحان خود را مبنی بر بی ربطی به خواستها و آرزوهای مردم کردستان عراق را بنمایش گذاشته اند. "ناسیونالیسم" قرن بیست و یک حتی توان و قابلیت تحقق افق و اهداف پیشینیان خود را هم ندارد. آنهم به این دلیل که "ناسیونالیسم" عصر حاضر در شمایل جریانات حاکم بر کردستان عراق در دوره ای قرعه به نامشان درآمد که دوران مبارزات ضد استعماری برای بیرون کشیدن جامعه ( کشور و اقتصاد ) از زیر سلطه استعمارگران اوایل قرن بیست چندین دهه قبلتر با تسلط کامل سیستم سرمایه داری بر سراسر جهان به پایان خود رسیده بود اما خاصیت تزریق "ناسیونالیسم" عصر حاضر بر بستر سیاستهای به بن بست رسیده نظم ننگین سرمایه داری در کردستان عراق موضوعیت پیدا کرد نه در پاسخ به استقلال سرمایه خودی ورها کردن کشور از سلطه استعمار. شکست، بی اقبی، دزدی، غارت، تباهی زندگی مردم و بسیاری موارد دیگر از این دست در کردستان عراق گویای ظرفیت این احزاب در تبدیل شدن به این دمل چرکین است.

به این اعتبار و با پذیرش این روند و قانونمندی تاریخی، "ناسیونالیسم" کرد قرن بیست و یک، به یم تحولی جهانی یعنی فروپاشی بلوک شرق، قدر قدرتی نظم مخرب جهانی سرمایه داری و قلدرمندی آمریکا بر جهان و بالاخره تثبیت این قلدری نظامی در عراق میسر شد و

این روزها در رابطه با تحولات کردستان عراق رویکردی وجود دارد بلکه بتواند "ناسیونالیسم" کرد ( قوم پرستی قرن بیست و یک ) را از زیر ضرب خارج کند. بکار گیری واژه "ناسیونالیسم" در مورد احزاب موجود در هر چهار بخش کردستان، ابدا به مفهوم جایگاه ناسیونالیسم در دوره مبارزات ضد استعماری یکصد سال گذشته نیست. از نظر من این "ناسیونالیسم" را در شکل و قامت قوم پرستی، عشیره ای و قابلیت استفاده از آن برای قرار گرفتن در معادلات و شکافهای منطقه ای و نهایتاً تبدیل شدن به باندها و کانگسترهای مسلح باید شناساند و معرفی کرد. تاریخ عملکرد احزاب "ناسیونالیست" کرد در کردستان عراق نمونه بارز و روشن چنین تعریفی از "ناسیونالیسم" قرن بیست و یکمی است. ( از این رو برای تفکیک ناسیونالیسم اوایل قرن بیست با خاصیتی که احزاب موجود و در عصر حاضر دارند، بکار بردن کلمه "ناسیونالیسم" به مفهوم امروزی آنرا داخل گیومه قرار داده ام.

علی جوانمردی روزنامه نگار طی انتشار چندین ویدئو پیرامون وقایع کردستان عراق بیش از هر کس دیگری تقویت ملی گرایی ( به هیز بونی حسی نه ته و ایه تی ) را در جریان انتشار اخبار کردستان عراق مطرح میکنند. پیرامون همین مسئله لازم دیدم این را توضیح دهم که بیان این ادعا حتی با قانونمندی و شاخصهایی که در علم فیزیک و شیمی هم بکار برده میشود ادعایی غیر واقعی است. با اتکا به ساده ترین شاخص ها، گند زدن و کهنگی هر پدیده ای معنای بی خاصیتی و محو آن پدیده را بدست می دهد نه عکس آنرا.

در رابطه با تغییر و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز این قانونمندی صادق است. مثلاً امروز در شرایطی که نظام سرمایه داری در اوج بن بست و بحران دنیا را به منجلاب تبدیل کرده است کسی نمیتواند ادعا کند که نظام فنودالی در حال تقویت شدن است؟! یا مثلاً روزهای ظهور جمهوری اسلامی و

خود نشان میدادند، بلکه این جریان خود میزبان این سازمان اسلامی برای همکاری و ائتلاف بوده است. در این گردهمایی ها نیز که آنرا بدون تاریخ انقضا ادامه میدهند، امضای سند همکاری و ائتلاف با همدیگر سیاست و عملکردشان را توضیح میدهد. تاکید میکنم "امضای سند همکاری و ائتلاف یک سازمان بنام چپ و کمونیست با یک سازمان مرتجع اسلامی و دیگر احزاب قومی". روش و سبک امضای توافق نامه هایشان حتی شباهتی به سبک و روش دولتهای بورژوازی در عقد قراردادها هم نیست بلکه در خفا و بدور از چشم مردم انجام میشوند. آنچه که علنی میشود نتایج به توافق رسیده شان به گونه ای شرمگینانه است که در اثر نقد سیاسی و تند و تیز جنبشی ما، باید مدتها به توضیح اما و اگر پیرامون آن خود را مشغول کنند.

"منطق" این رویکرد آنجا بیشتر عیان میشود که در نشست و برخاست نسبت به جریانی که به خینی لبیک میگفت حساسیت ندارد، در همکاری و ائتلاف نسبت به جریاناتی که قوم پرستی را بعنوان افق و استراتژی خود قرار داده اند حساسیت ندارد، نسبت به همزیستی و همکاری در اجتماع کنگره ملی کرد حساسیت ندارد، نسبت به بزک کرد جلال طالبانی بعنوان چهره منفوری که خمینی را سبیل رهایی بخش معرفی میکرد و مردم کردستان و کمونیستها را مورد تعرض قرار میداد و او را حامی مردم کردستان نشان داد حساسیت ندارد، نسبت به سازمان خبات که نشستن در کنار آن و عقد قرارداد همکاری با آن که قابلیت استعداد به لجن کشیدن جامعه کردستان در افق و اهدافش نهفته است را ندارد و نه تنها حساسیت ندارد بلکه تا کنون مبتکر و پیشقدم برای خلق چنین فضا و مناسباتی در پهن کردن فرش قرمز زیر پایشان بوده است.



نسان نودبینان

## نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات  
هفته از شهرهای کردستانپایان اعتصاب غذای ۹۹ روزه  
محمد نظری پس از دیدار با وکلا

به گزارش سحام نیوز، محمد نظری، زندانی سیاسی، پس از ملاقات با دو وکیل و امضای وکالت، با توجه به درخواست وکلا برای پایان اعتصاب غذا و قول مساعد ایشان برای به نتیجه رساندن درخواست قانونی آزادی، پس از ۹۹ روزه به اعتصاب غذای خود خاتمه داد. محمد نظری در جریان اعتصاب غذای اخیر خود که از ۱۸ مرداد ۱۳۹۶ شروع شده، خواستار اعمال ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی جدید در پرونده خود است که می تواند به آزادی او منجر شود. محمد نظری در پیامی از همه کسانی که از او در مدت اعتصاب غذا حمایت کردند و تنهائیش نگذاشتند تشکر کرده است.

لازم به یادآوری است که این زندانی از سال ۱۳۷۳ و بمدت حدود ۲۴ سال است که در زندان بسر می برد و تاکنون هیچ مرخصی هم نداشته است.

کمیته بین المللی علیه اعدام از پایان اعتصاب غذای محمد نظری ابراز خوشحالی می کند و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط وی و رسیدگی اضطراری به وضعیت سلامتی ایشان است. محمد نظری باید همه خدمات پزشکی لازم را فوراً دریافت کند.

نامه سعید شیرزاد  
برای محمد نظری

کجاست شاهین، صدای بی صدایان، وقتی صدای محمد نظری که بار سنگین ۹۵ روز گرسنگی را به دوش می کشد به خاطر بی کسی و گمنامی اش شنیده نمی شود.

کجاست داریوش تا ببیند محمد نظری را که ۲۴ سال زندان، بر صلیب صدا مصلوبش نکرده است. کجاست مرجان که ببیند رهایی اش فریاد ۹۵ روز گرسنگی محمد نظری شده است.

۹۵ روز است که محمد نظری با

است انسانی که حتی ۹۵ روز گرسنگی هم نمی تواند وصف دردها و رنج های بی پایانش باشد. انسانی با مارش فردا، انسانی از مرداد تا آبان، انسانی از گرسنگی تارهایی و انسانی از بی کسی تا مرگ...

سعید شیرزاد  
۱۰ آبان ۱۳۹۶  
زندان گوهردشت

**جمعی از معلمان، کارگران و مردم آزادخواه و برابری طلب ایران، در اعتراض به بازداشت ظالمانه محمود صالحی، فعال کارگری بیانیه ای را امضا کرده اند.**  
متن بیانیه معلمان، کارگران و مردم آزاده ایران!

محمود صالحی، فعال برجسته جنبش کارگری ایران که به دلیل حبس های مختلف و طولانی مدت و عدم مداوا در زندان، هر دو کلیه اش را از دست داده است و هفته گذشته، در حین دیالیز در بیمارستان سقز، مجدداً دستگیر و برای اجرای حکم ناعادلانه زندان مستقیماً راهی زندان مرکزی سقز شده است.

این فعال جنبش کارگری، علاوه بر مشکل دیالیز، در سال گذشته ۲ بار نیز عمل جراحی قلب انجام داده و سلامت او در زندان بیشتر از هر زمان دیگری با تهدید جدی مواجه است.

زندانی شدن فعالین صنفی و کارگری با وضعیت جسمانی وخیم و عدم مداوا و درمان جدی آنها به صورت آگاهانه در سالهای اخیر منجر به مرگ تعدادی از فعالین کارگری از جمله محمد جراحی و شاهرخ زمانی شده است. به همین جهت بدون شک مسئولیت مستقیم مخاطرات جانی و سلامت این فعال کارگری بر عهده صادر کنندگان حکم ناعادلانه زندان علیه این فعال دلسوز بوده و لازم است که مسئولان و بانین چنین احکامی در برخورد خود تجدیدنظر نمایند.

ما امضاکنندگان خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط محمود صالحی و پایان بخشیدن به صدور احکام ناعادلانه علیه همه فعالین صنفی و کارگری هستیم.

**نامه سرگشاده عثمان اسماعیلی رو به اطلاعات سندج و سقز و دادستانی سقز و مسئولین اطلاعات سقز و سندج.**

من کارگر ساختمانی از شما ها ستوال دارم، آیا چرا باید فعالین

کارگری را باز داشت کنید مگر آنها چه گناهی کرده اند غیر از این است که بر علیه نابرابری و فاصله طبقاتی و اجتماعی مجتهدند؟ اینها بر علیه نابرابری و اجتماعی مبارزه می کنند. تمام این زندگی پر زرق و برقی که شما ها و دادستانی دارد مدیون طبقه کارگر هستید حقوق شماها از دسترنج طبقه کارگر پرداخت می شود شماها با دسترنج کارگر سر قدرت نشسته اید. شما ها نماینده گان طبقه سرمایه دار هستید برای ماندگار نظام های سرمایه داری هزاران کارگر و فعالین کارگری را اعدام و زندانی می کنید. شما ها بارها و بارها می گوئید که ما

زندانی سیاسی نداریم آیا محمود صالحی و هزاران مثل او سیاسی نیستند؟ آیا شما از دسترنج طبقه کارگر جنگ های نابرابری و دخالت تو کشور های منطقه نمیکنید. خرج این درآمد ها از کجا می آید؟ معلوم است مال دسترنج طبقه کارگر است. شما مگر نمی بینید هر روز کارگران رو به کولبری آورده اند روزی نیست که چند تن از آنها در مرزها کشته نشوند شما آمار بی کاری طبقه کارگر را هیچ وقت واقعیت آن را به جامعه بیان کرده اید؟ این همه دزدی های میلیاردی همه اینها از دسترنج طبقه کارگر نیست؟ شما ها اگر راست می گوئید بیاید با کارگران مناظره رسانه ای و تلویزیونی داشته باشید در مورد نا عدالتی صحبت کنید. قضاوت را بگذارید به عهده خود توده مردم. شما تا کی اعتقاد و باورهای انسان ها را باور ندارید؟ فقط باورهای خودتان را باور دارید ولی خب به نظر من کارگر، باید همه انسان ها اعتقاد شان آزاد باشد هیچ کس بخاطر باورش نباید زندانی ویا اعدام شود. ماطبقه کارگر هیچی نداریم که از دست بدهیم ولی خوشبختی را برای انسان های کره خاکی به ارمغان در می آوریم. امید وارم هر چه زود تر وزارت اطلاعات دادستانی شهرسقز دست از این کارهای غیر انسانی بردارند و تمام زندانیان سیاسی و کارگران بدون قید و شرط آزاد گردند.

**روز شمار مبارزاتی محمود صالحی فعال جنبش کارگری**  
محمود صالحی، اهل، ساکن سقز و متولد ۱۳۴۳ می باشد. وی در سال ۵۹ به اتهامی سیاسی

دستگیر و بعد از مدتی کوتاه آزاد و مجدداً در سال ۶۱ دستگیر شد. ارتباطات محمود به ویژه با کارگران به شیوه ای بود که در ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر در سال ۶۲ طی فراخوانی توانست ۹۰ درصد کارگاه های خیابانی را از ساعت ۱۰ الی ۱۱ صبح تعطیل کند و فعالین کارگری با پخش شیرینی و صحبت با مردم، روز جهانی خود را جشن بگیرند. پس از این مراسم، محمود صالحی دستگیر و مدتی را در زندان گذراند و در سال ۶۴ یک بار دیگر در مهاباد دستگیر و زندانی شد. او مدت ۶ ماه از زندان خود را در زندان ارومیه گذراند.

وی در سال ۶۵ پس از آزادی، به شهر سقز برگشت و در این شهر به فعالیت های کارگری خود ادامه داد. او در بهار همان سال دستگیر شد و تا بهمن سال ۶۷ در سقز زندانی شد. ایشان در اولین مجمع عمومی " انجمن صنفی خبازان سقز " در دهه ۷۰ شرکت کرده و با وجود اینکه مراجع قانونی اجازه کاندیدا شدن در هیئت مدیره این نهاد را به او ندادند؛ اما نقش به سزایی در شکل گیری این انجمن که بعدها در بین کارگران به عنوان سندیکای خبازان شناخته شد را داشت. وی به فعالیت خود در سندیکای خبازان ادامه داد تا اینکه این بار اداره اطلاعات تصمیم گرفت او را از کار اخراج کند. در چنین وضعیتی در حالی که حدود ۹ سال سابقه کار در یک خبازی را داشت، بدون پرداخت هیچ مزایایی اخراج گردید.

محمود صالحی بار دیگر در سال ۷۸ به اتهام سیاسی دستگیر و حدود سه ماه را در بازداشت بودند و همانند بارهای قبل، پس از آزادی باز به فعالیت های کارگری خود پرداخت.

در سال ۷۹ مجدداً ایشان به ۱۰ ماه حبس تعزیری محکوم گردید و در شهریور ماه سال ۷۹ به زندان رفت.

۱۱ اردیبهشت سال ۸۰ که تنها ۱۳ روز از آزادی گذشت بود باز هم از طرف اداره اطلاعات در مراسم روز جهانی کارگر دستگیر و به خارج از شهر انتقال داده شد. کارگران و شرکت کنندگان در مراسم روز جهانی کارگر به دستگیری او اعتراض کردند و خواستار آزادی

## از صفحه ۴ نگاه هفته مجموعه اخبار و ..

فوری او شدند، تا اینکه سرانجام پس از چند ساعت او را آزاد کردند.

محمود صالحی، در سال ۸۳ با هیات نماینده‌گان کنفدراسیون اتحادیه‌های آزاد کارگری، به سرپرستی خانم آنا بیوندی در تهران، ملاقات کرد و مشکلات واقعی کارگران ایران را برای او و هیات همراهش تعریف کرد. همچنین ایشان از اعضای کمیته برگزار کننده ی اول ماه مه سال ۸۳ سقز بود که منجر به دستگیری او و جمع زیادی از کسانی شد که قصد شرکت در این مراسم را داشتند. بعدها همه ی دستگیر شدگان به مرور تریه شدند، اما محمود صالحی به یک سال زندان محکوم شد.

این فعال کارگری از اعضای هیئت موسس کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری بود که در سال ۸۴ اعلام موجودیت کرد. او چندین دوره عضو هیئت اجرایی این تشکل و بعدها کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری بود.

ایشان بار دیگر در سال ۹۴ دستگیر گردید و پس از بازداشت و محاکمه به ۹ سال زندان محکوم شد که در دادگاه تجدیدنظر به یک سال تقلیل یافت.

محمود صالحی هفته گذشته که برای انجام دیالیز در بیمارستان سقز حضور داشت با همان وضعیت وخیم جسمی بازداشت و برای گذراندن این محکومیت روانه زندان سقز گردید.

### محمود صالحی، سبیل مقاوت و پایداری جنبش کارگری ایران، آزاد باید گردد!

محمود صالحی از پیشروان و فعال برجسته کارگری ایران در حالی که در بیمارستان امام خمینی سقز در حال دیالیز کلیه های خود بود بدون اخطار قبلی توسط نیروهای وزارت اطلاعات بدون توجه به وضعیت وخیم پزشکی اش بازداشت و برای اجرای حکم یک سال روانه زندان شد.

جمهوری اسلامی مسبب حال روز و بیماری کلیه های محمود صالحی است. او کلیه هایش را به دلیل عدم رسیدگی و عدم تحویل داروهایش در بازداشتگاه اطلاعات سنندج از دست داده است.

محمود صالحی نیاز مبرم به رسیدگی پزشکی دارد و اگر در این مورد تعللی صورت گیرد، اتفاقات جبران ناپذیری ممکن است بیفتد.

اکنون خانواده این فعال و جنبش کارگری ایران شدیداً نگران حال محمود صالحی هستند. محمود صالحی سبیل مقاومت و پایداری ما کارگران علیه بی حقوقی و چپاول هرروزه است. محمود صالحی همواره قهرمانا نه در دفاع از طبقه کارگر به مبارزه بی وقفه برای آزادی و برابری و رفاه هم طبقه ای هایش در صف اول این کارزار بوده است.

بازداشت محمود صالحی قویا محکوم است. جمهوری اسلامی و نهادهای امنیتی اش، مسئول مستقیم هرگونه آسیب جسمانی به او هستند و باید در برابر خانواده و مردم و کارگران ایران و در مقابل وجدان و افکار عمومی جهان پاسخگو باشند.

محمود صالحی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شود.

بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری، عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های آزاد کارگری  
۸ آبان ۱۳۹۶

### نجیبه صالح زاده همسر محمود صالحی: همسرم به امکانات درمانی نیاز دارد

نجیبه صالح زاده، همسر محمود صالحی و سخنگوی کمیته دفاع از او، با شرح ماجرای بازداشت وی در بیمارستان از سوی نیروهای لباس شخصی، از همگان خواستار شده است که سکوت نکنند و پشتیبان خانواده نه تنها محمود بلکه همه زندانیان سیاسی و عقیدتی باشند و آنها را تنها نگذارند!!!  
به فراخوان او وسیعاً پاسخ دهیم.\*\*\*

محمود صالحی فعال کارگری که روز ۶ آبان مجدداً دستگیر شد، به دو بار دیالیز در هفته نیاز دارد. روز ۷ آبان نجیبه صالح زاده همسر او از دادستانی تقاضا کرد مجوز انجام دیالیز محمود صالحی را صادر کند. دادستانی او را به پزشکی قانونی ارجاع داد و پزشکی قانونی صدور چنین گواهی را به دریافت نامهای از بیمارستان منوط کرد. نجیبه صالح زاده همسر محمود صالحی در گفتگو با رادیو زمانه

نسبت به سلامتی این فعال کارگری زندانی ابراز نگرانی کرد.

محمود صالحی دبیر سابق انجمن صنفی خبازان سقز و از بنیانگذاران کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری است و بارها به سبب تلاش در راه ایجاد تشکل مستقل کارگری بازداشت و زندانی شده است.

دستگیری مجدد محمود صالحی که به بیماری قلبی و مشکل کلیه دچار است با اعتراض تشکل های مستقل کارگری و فعالان اجتماعی روبرو شده است.

بیماری کلیه صالحی سال ۹۴ در زندان تشدید شد. او هشتم اردیبهشت ۱۳۹۴ توسط نیروهای وزارت اطلاعات دستگیر شد. مسئولان زندان داروهای او را که همسرش هر هفته به زندان می برد، در اختیار صالحی قرار ندادند و تنها پس از آن که کلیه صالحی از کار افتاد، ماموران دو بار او را با یک نام مستعار برای دیالیز به بیمارستان توحید سنندج بردند.

صالحی نهم خرداد ماه ۱۳۹۴ در حالی که بشدت بیمار بود با قید وثیقه آزاد شد. دادگاه انقلاب او را به ۹ سال حبس تعزیری محکوم کرد و ارسال پرونده او به دادگاه تجدید نظر شماره ۴ سنندج شد.

مامورانی که ۶ آبان ۱۳۹۶ محمود صالحی را هنگام خروج از بیمارستان دستگیر کردند، برگهی حکم یک سال زندان او را در دست داشتند. اما حکم دادگاه یا احضاریه برای صالحی ارسال نشده بود.

به گفته نجیبه صالح زاده، روز سه شنبه ۸ آبان نوبت دیالیز محمود صالحی است. انتقال او به بیمارستان اما منوط به تایید پزشکی قانونی و موافقت دادستانی و مسئولان زندان است.

برگرفته از تلگرام اتحادیه آزاد کارگران ایران

### اطلاعیه شماره ۳ کمیته دفاع از محمود صالحی:

مسئولین زندان مرکزی سقز محمود صالحی را تحت فشار قرار داده اند

به اطلاع عموم می رسانیم که مسئولین زندان مرکزی سقز بدون هیچ مجوز و توجیه قانونی پوشیدن لباس مشکی در زندان را ممنوع کرده اند، این در حالی است که محمود صالحی سالهای سال است لباس مشکی می پوشد.

ایشان زیر بار این تصمیم خودسرانه مسئولین زندان نرفته است. در مقابل زندانبانان از تحویل گرفتن لباس، پتو و سایر لوازم مورد نیاز ایشان از خانواده اش خودداری کرده اند.

محمود صالحی از روز دستگیری یعنی شب گذشته تاکنون بالاچار تنها از یک دست لباس استفاده کرده است. زندانبانان محمود را از داشتن نیازمندیهای اولیه زندگی در زندان یعنی تخت، پتو و لباس مردم محروم کرده اند و تحمیل این شرایط باعث ابتلای ایشان به سرما خوردگی شدید شده است.

محمود صالحی از بیماریهای عیدیه ای رنج می برند و پزشکان معالج بارها تاکید کرده اند که بخاطر دیالیزی بودن ایشان سرماخوردگی برایشان خطرناک است.

تحمیل این محرومیت ها به محمود صالحی سرآغاز فشار روحی و جسمی و بازی کردن با زندگی این فعال جنبش کارگری ایران است.

ما ضمن محکوم کردن این اعمال ضد انسانی خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط ایشان هستیم.

کمیته دفاع از محمود صالحی پنجشنبه ۱۱ آبان ۱۳۹۶ برابر با دوم نوامبر ۲۰۱۷

### بی خبری از فواد زندی، فعال کارگری در بازداشت

بیش از یکماه است فعال کارگری فواد زندی در بازداشت بسر میبرد و خانواده وی در بی خبری مطلق بسر میبرند. بنابر گزارشی از کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، ساعت ۲ بعدازظهر روز جمعه هفتم مهر ۹۶، نیروهای لباس شخصی با شکستن درب ورودی، وارد منزل فواد زندی

شده و او را دستگیر کردند. فواد زندی از فعالین کارگری شهر سنندج که پیش تر نیز سابقه بازداشت داشت مجدداً توسط نیروهای امنیتی دستگیر و به نقطه نامعلومی منتقل شده است و بیش از یک ماه است که از دلایل بازداشت این فعال کارگری اطلاعاتی در دست نیست. لازم به یادآوری است فواد زندی به همراه برادر خود نخستین بار در سال ۸۹ بازداشت شده بود و سپس این تجربه بازداشت را در سال ۹۴ تجربه کرد.

آقای زندی و برادرش در سال ۹۴ در شعبه اول دادگاه انقلاب به اتهام فعالیت های کارگری از جمله شرکت در مراسم های روز جهانی کارگر، روز جهانی زن، گلگشت های کارگری، همکاری با کمیته هماهنگی، دفاع از کارگران زندانی و شرکت در راهپیمایی در حمایت از مردم کویانی هر یک به چهار ماه حبس تعزیری محکوم شدند. که پس از تحمل ایام محکومیت از زندان آزاد شدند

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

### اعتراض کارکنان شهرداری سروآباد

اعتراض کارکنان شهرداری سروآباد بدلیل عدم پرداخت بیش از هفت ماه حقوق و دو سال نیم اضافه کار در مقابل ساختمان شهرداری سروآباد.

### اعتصاب رانندگان شهرداری سنندج

رانندگان شهرداری سنندج همگام با کارکنان شهرداری دست به اعتراض زدند. شهرداری سنندج به مدت چند ماه است که حقوق کارگران، و رانندگان و کارکنان را پرداخت نکرده است.

### اعتراض کارگران مرز باشماق مریوان

اعتراض کارگران مرز باشماق مریوان به عملکرد شرکت انبارهای عمومی و عدم اجرای تعهدات نسبت به کارگران.

\*\*\*

لغو اتهام امنیتی یعنی آزادی اعتصاب و تجمع، آزادی تشکل، آزادی بیان و اعتراض. این یک خواست محوری در مبارزات بخش های مختلف مردم علیه فقر و محرومیت و بی حقوقی علیه مفسدان و جنایتکاران حاکم است.



## اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان عزیزه لطف الهی

### لیست زندانیان سیاسی زن از کردستان

#### هاجر پیری ۹ سال حکم در زندان تبریز

هاجر پیری، مدت ۵ ماه در بازداشتگاه اطلاعات ارومیه تحت بازجویی و زیر شکنجه جسمی و روحی بوده و حدود ده روز نیز در سلول انفرادی نگهداری شده است. این زندانی سیاسی، مهرماه سال ۱۳۸۶ در شعبه یک دادگاه انقلاب ارومیه به اتهام "عضویت در یکی از احزاب مخالف نظام" و "اقدام علیه امنیت ملی"، توسط قاضی حصاری به ۱۷ سال حبس و تبعید به زندان کرمان محکوم شد.

هاجر پیری، زندانی سیاسی اهل کردستان، مدت هشت سال و هفت ماه از دوران ۱۷ ساله حبس خود را در بند مربوط به زندانیان آشور و مواد مخدر دوران سپری می کند که خود امری خلاف قانون و برخلاف قوانین مربوط به زندانیان سیاسی است. بنا بر گزارشها، وی در شرایط بد جسمی قرار دارد و از ناحیه قفسه سینه دچار مشکل حاد شده و عفونت شدید دارد.

#### قدریه قادری زندان یاسوج

قدریه قادری، زندانی سیاسی دیگر از کردستان که در بند نسوان زندان مرکزی یاسوج نگهداری می شود به عفونت گوش، سردرد شدید و بی حسی یکی از دستانش مبتلا شده است. وی در طی سه ماه گذشته دو بار به بیمارستان خارج از زندان منتقل شده و هر بار به اجبار با دستبند و چادر وی را انتقال داده و این سبب اعتراض این زن زندانی شده است. پزشک متخصص برای تشخیصی پزشکی درخواست انجام آزمایش سی تی اسکن کرده ولی به بهانه خرابی دستگاه تاکنون این آزمایش انجام نشده و مرضی ایشان همچنان ادامه دارد.

#### زینب جلالیان

زینب جلالیان زندانی سیاسی محکوم به حبس ابد در هشت امین سالگرد بازداشت خود بسر می برد

در پرونده ایشان ادعا کرده اند که وی قصد ملحق شدن به پژاک را داشته است.

#### گلناز اهنک خوش

گلناز اهنک خوش در اواخر ماه ژوئن سال ۲۰۱۴ در نزدیکی روستای برده رش از توابع شهرستان ارومیه به همراه چند شهروند دیگر توسط نیروهای سپاه پاسداران بازداشت شد. نیروهای سپاه پاسداران بعد از اطلاع از حضور تعدادی از نیروهای پژاک در اطراف این روستا اقدام به محاصره منطقه کرده و با این نیروها درگیر شدند. اهنک خوش و چند شهروند دیگر نیز در منطقه نزدیک درگیری به بهانه قصد ملحق شدن به پژاک توسط نیروهای سپاه بازداشت شدند. به دلیل توپ باران منطقه گلناز اهنک خوش با برخورد ترکش زخمی شده و در این حالت بازداشت شده است.

بعد از بازداشت نیروهای سپاه او را به بازداشتگاه امنیتی سپاه در ارومیه منتقل کرده و به مدت ۴۰ روز تحت بازجویی قرار داده اند و بعداً با تفهیم اتهام قصد ملحق شدن به پژاک و محاربه به بند نسوان زندان مرکزی ارومیه منتقل شد. در روز ۵ ژانویه ۲۰۱۵ به همراه ۱۵ شهروند دیگر به اتهام محاربه توسط شعبه یک دادگاه انقلاب ارومیه دادگاهی شده اند اما همچنان حکمی صادر نشده است.

#### زینب سکانوند

زینب سکانوند در زمان بازداشت زیر ۱۸ سال سن داشته و بعد از اینکه شبکه حقوق بشر کردستان برای اولین بار گزارشی در خصوص این زندانی منتشر کرد، به دلیل فشارهای نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر، اجرای حکم ایشان به صورت موقت متوقف شده است ولی همچنان خطر اجرای حکم وجود دارد.

#### اسرین امین زاده

اسرین امین زاده، ۲۴ ساله و دانشجوی رشته حسابداری، مورخ ۱۷ خرداد ماه ۱۳۹۵ شمسی توسط نیروهای امنیتی شهرستان مهاباد بازداشت شده است و علیرغم پیگیریهای مکرر خانواده اش تاکنون مکان بازداشت، علت بازداشت و وضعیت روحی و جسمانی وی نامشخص می باشد.

این دختر دانشجو در منزل پدری اش از سوی دو نفر از ماموران اطلاعات مهاباد و با داشتن مجوز قضایی دستگیر شده و به مکان نامعلومی منتقل شده است. پس از دستگیری اسرین امین زاده، خانواده وی به طور مداوم به مراکز امنیتی مراجعه نموده اند اما تاکنون هیچ نهادی جواب مثبتی نسبت به بازداشت این دختر دانشجو به آنها ارائه نداده است و اداره اطلاعات مهاباد نیز از برعهده گرفتن مسئولیت دستگیری وی امتناع نموده و علناً آنرا انکار می کند.

#### شهلا محمدیان

شهلا محمدیان ۲۸ ساله در زندان تبریز در شهر مهاباد سال گذشته دستگیر شد

#### مریم مقدسی و شش سال زندانی بدون حق مرخصی

مریم مقدسی، زندانی سیاسی از کردستان محبوس در زندان اوین که از سال ۱۳۸۹ بازداشت شده است، پس از گذشت ۶ سال از زمان بازداشت همچنان از داشتن حق مرخصی محروم می باشد. این زندانی سیاسی که از سوی دستگاه قضایی رژیم ایران به تحمل ۹ سال حبس تعزیری محکوم شد طی چندسال گذشته نیز از بیماری رنج برده است. بنا به گزارش "هنگاو"، مریم مقدسی سال ۱۳۸۹ و پس از اعدام فرزند کمانگر و تنی چند از فعالین سیاسی که منجر به اعتصابات گسترده در شهرهای کردستان شده بود بازداشت و به "فعالیت و تبلیغ علیه نظام و همکاری با یکی از احزاب مخالف رژیم ایران" متهم شد. مریم مقدسی هم اکنون ششمین سال حبس خود را بدون مرخصی در زندان اوین تهران سپری می کند.

#### منیژه فاتحی

منیژه فاتحی اهل بوکان ۲۲ ساله، ۱۵ اسفندماه سال گذشته توسط نیروهای اطلاعات بازداشت شد

#### افسانه بایزیدی

افسانه بایزیدی زندانی سیاسی و فعال دانشجو از کردستان که مدتی پیش جهت گذراندن ۴ سال حکم و تبعید، به زندان مرکزی کرمان منتقل شده بود، بعد از درگیری با

چند زندانی دیگر به انفرادی این زندان منتقل شده است. به گزارش کانون مدافعان حقوق بشر کردستان، این فعال دانشجو بدستور شورای انضباطی زندان کرمان به علت درگیری به چند زندانی دیگر که به وی توهین و ناسزا گفته بودند، به مدت هفت روز به سلول انفرادی منتقل شده است. یک منبع مطلع در این باره به "کانون مدافعان حقوق بشر کردستان" گفته است که این زندانی سیاسی توسط شورای انضباطی زندان کرمان به علت درگیری با زندانیانی که به وی توهین و ناسزا گفتند، به سلول انفرادی زندان منتقل شد و این در حالیست که مسئولین زندان کرمان از دیگر زندانیان حمایت کرده و خانم بایزیدی را به مدت ۷ روز به سلول های انفرادی منتقل و ممنوع الملاقات کرده اند.

#### سودابه حسن خانی

سودابه حسن خانی: ۳۱ ساله مهندس کامپیوتر و اهل حلب از توابع شهرستان بیجار، این زندانی سیاسی خردادماه سال ۸۳ از سوی نیروهای امنیتی شهر بیجار بازداشت شد و نزدیک به ۹ ماه در بازداشتگاه اطلاعات بیجار در بازداشت و بلاتکلیفی به سر برده و سرانجام ۴ اسفندماه سال ۸۳ توسط دادگاه انقلاب بیجار به اتهام «جاسوسی با کشور بیگانه و فعالیت تبلیغی علیه نظام» به تحمل ۹ سال حبس محکوم شد.

در حالیکه در پرونده سودابه حسن خانی تبعید نداشت و تبعید ایشان به زندان کرمان پس از گذشت ۷ ماه تحمل زندان در بیجار به کرمان منتقل شد و اینک نزدیک به یک سال است در زندان کرمان دوران محکومیت ۹ ساله خود را سپری می کند.

#### کژال حسینی

کژال حسینی اهل کردستان، ۲۸ ساله، دانشجوی مقطع کارشناسی رشته کامپیوتر دانشگاه تبریز که در تاریخ ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ شمسی از سوی ماموران اطلاعات سپاه مهاباد بازداشت شد به بند ۲ الف سپاه در زندان اوین منتقل شد است وی "روز شنبه ۱۵ آبانماه ۱۳۹۵ شمسی، پس از ۶ ماه دستگیری و شکنجه و بی اطلاعی،

## از صفحه ۶ اخبار و گزارشات هفتگی...

کژال اجازه داشته است تا تنها ۶ دقیقه با خانواده اش صحبت نماید.

## لاوین کریمی

لاوین کریمی زندانی سیاسی از کردستان و دانشجوی لیسانس مدیریت در زندان همدان که از روز ۲۴ مردادماه ۱۳۹۴ از سوی نیروهای اطلاعات سقز به اتهام همکاری با یکی از احزاب مخالف بازداشت شده است، در دادگاهی ناعادلانه به ۵ سال و شش ماه حبس تعزیری محکوم شد.

حکم این فعال سیاسی و دانشجوی ۲۶ ساله، پس از اعتراض و کیل مدافعتش از سوی دادگاه تجدید نظر به ۳ سال حبس و تبعید به زندان همدان تقلیل یافت.

مرکز "روژی کورد" در گزارشی در باره وضعیت لاوین کریمی نوشته بود که، این فعال سیاسی در بازداشتگاه اطلاعات مورد شکنجه شدید قرار گرفته و بهمین دلیل اکنون از ناراحتی و خونریزی شدید معده رنج میبرد. مسئولان زندان به لاوین گفته‌اند که وزارت اطلاعات اجازه خروج ایشان را به خارج از زندان، جهت درمان نمی‌دهد. لاوین کریمی هم اکنون دوران محکومیتش را در زندان همدان سپری می‌کند.

## فریده خوشنام

فریده خوشنام: ۳۲ ساله اهل شهرستان تکاب و دارای لیسانس حقوق می‌باشد. این زندانی سیاسی هفتم مردادماه سال ۸۴ در شهرستان تکاب از سوی ماموران امنیتی در محل کارش بازداشت شد. خوشنام نزدیک به ۵ ماه در بازداشتگاه اطلاعات همان شهر تحت بازجویی و زیر شکنجه‌های جسمی و روحی بوده است که از ناحیه چشم دچار عارضه شدید چشم و پا درد شده است.

این زندانی سیاسی ۲۴ بهمن ماه سال ۸۴ توسط شعبه ۲ دادگاه انقلاب تکاب به اتهام "اقدام علیه امنیت کشور، از طریق ارتباط با اطلاعات حکومت اقلیم کردستان" به تحمل ۱۴ سال حبس ۸۰ ضریبه

مراجعه کند. حکم وی هنوز نامعلوم است.

## سهیلا مینایی

سهیلا مینایی ۲۷ ساله اهل دیواندره، ۱۹ مرداد سال گذشته توسط ماموران اطلاعات این شهر دستگیر شد پس از تحمل ۶ ماه بازداشت و بلا تکلیفی در بازداشتگاه دیواندره که پرونده وی به دادگاه انقلاب سنندج موکول گردیده و در همان دادگاه به اتهام ارتباط با یکی از احزاب اپوزیسیون جمعا به ۳ سال و یک روز زندان و تبعید به زندان کرمان محکوم شد و اینک مدت نه ماه از حبس باقیمانده خود را در زندان کرمان می‌گذراند.

اوین مولود شیخو ۲۸ ساله  
تبعه سوریه  
قدیسه قادری ۲۵ ساله  
تبعه ترکیه

یک منبع محلی به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفت که دو زن زندانی سیاسی ساکن کردستان به نامهای اوین مولود شیخو ۲۸ ساله تبعه سوریه و قدیسه قادری ۲۵ ساله تبعه ترکیه که قبلا به اتهام همکاری با پ.ک.ک هر دو به ۷ سال زندان قطعی محکوم شده‌اند در طول سال جاری به صورت مستمر از سوی بازجویان اداره اطلاعات به حفاظت زندان احضار شده و تحت فشار برای گرفتن اعترافات تلویزیونی و همکاری با وزارت اطلاعات قرار گرفته‌اند.\*



علیه تبعیض

## از صفحه ۳ یادداشتهای هفته...

"نقد" این چپ درمانده به کمونیسم کارگری از این رو است که افتضاحات فوق را از دید مردم بپوشاند اما افتضاحات فوق اسناد تاریخی ثبت شده ای در کارنامه این جریان است که نمیتوان با ایجاد چنین گردو خاکی آنرا از حافظه مردم کردستان کنار زد. در يك كلام باید گفت که این "منطق" از سر همسویی و همسرنوشتی این جریان و این طیفها با جنبش ناسیونالیستی کرد در منطقه مایه میگیرد.

اگر در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی يك حکومت

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:  
Sweden  
Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

آلمان:  
Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: ۵۸۳۶۵۷۵۰۲  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

کانادا:  
Canada  
ICRC  
Scotiabank  
۹۰۰ Dixie Rd, Mississauga  
L4W 2R1  
Account #: 84392 00269 13

هلند:  
Bank: RABOBANK  
Darande hesab: FVTVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:  
Bank of America  
277 G street Blaine, Wa 98230  
phone# 1-360-332-5711  
Masoud Azarnoush  
Account number : 41581083  
checking (99)  
wire: ABA routing #026009593  
swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:  
England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
account holder: WPI  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345۴۷۷۹۸۱  
BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید میتوانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیرید:  
سیامک بهاری: 0046739868051  
markazi.wpi@gmail.com

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!